

کلیسای ایرانیان مسیحی سن دیه گو و ال کاهون

کتاب مقدس، دانیال نبی

درس شماره ۴۱

فصل ۶: ۱۴-۱۸

آیه حفظی برای ۷ ماه نوامبر سال ۲۰۲۴

کتاب مقدس، یعقوب ۱: ۱۴

۱۴ لکن هرکس در تجربه می‌افتد، وقتی که شهوت وی او را می‌کشد، و فریفته می‌سازد.

آیه حفظی برای ۱۴ ماه نوامبر سال ۲۰۲۴

کتاب مقدس، مکاشفه ۲: ۱۰

۱۰ از آن زحماتی که خواهی کشید مترس! اینک، ابلیس بعضی از شما را در زندان خواهد انداخت تا تجربه کرده شوید و مدت ده روز زحمت خواهید کشید. لکن تا به مرگ امین باش تا تاج حیات را به تو
دهم.

قرائت کلام: لطفاً کتابهای مقدستان را به بخش دانیال نبی فصل ششم باز بفرمائید. از چند جلسه گذشته وارد فصل ششم شدیم و امروز تمرکز ما بر روی آیات ۱۴ الی ۱۸ می باشد. برای مرور مطالب گذشته لطفاً به آن دروس گذشته رجوع کنید. و برای صرفه جویی در وقت آیات را همانطور که جلو می رویم خواهیم خواند.

دعا: دعای داشته باشیم برای درک درست کلام خدا و اطاعت درست بر اساس آن درک درست.

مطالعه امروز: در جلسات گذشته دیدیم که در آن ۹ آیه اول این فصل شما می توانید هم گناه حسادت و هم گناه چاپلوسی را ببینید. مشاوران و مقامات دربار داریوش پادشاه به دانیال حسادت می ورزیدند. بنابراین، برای از بین بردن او، گذشته او را کند و کاو کرده، ولی نتوانستند لکه ننگی در زندگی او پیدا کنند.

پس به این نتیجه می رسند که تنها راهی که می توانند بهانه برضد او پیدا کنند فقط در مورد ایمانش به خداوند می بود. بنابراین تصمیم می گیرند دامی بچینند و داریوش پادشاه را فریب دهند تا فرمانی صادر کند که برای یکماه کسی حق ندارد به هیچ خدائی دعا کند به غیر از داریوش پادشاه. می خواستند برای یکماه داریوش را به سمت خدائی انتخاب کنند. و مجازات سرپیچی از این فرمان افتادن در چاه شیران

می بود. پس لایحه ای را در آن مورد نوشته، پیش داریوش پادشاه می آورند. و داریوش بخود مغرور شده، لایحه را امضا نمود و در دام آنها افتاد.

اما دانیال مانند همیشه، طبق آن انضباط روزانه که داشت خداوند راستین را در منزلش عبادت می کند بدون هیچ نوع پنهان کاری. آن مشاوران بدخواه دانیال از فرصت استفاده می کنند تا دانیال را بر طبق فرمان داریوش از بین ببرند. همگی بحضور داریوش می روند و تا او را بر اساس فرمانی که صادر کرده بود مجبور کنند تا دانیال را در چاه شیران بیاندازد. داریوش حالا متوجه می شود که چه فریبی خورده است.

مطالعه امروز:

داریوش بخودش عصبانی می شود. ۱۵ آنگاه پادشاه چون این سخن را شنید بر خویشتن بسیار خشمگین گردید و دل خود را به رهانیدن دانیال مشغول ساخت و تا غروب آفتاب برای استخلاص او سعی می نمود. داریوش مسئولیت خطای خودش را می پذیرد. مسئولیت پذیر باشیم. کلام خدا در یعقوب ۱: ۱۴ می فرماید: ۱۴ لکن هرکس در تجربه می افتد، وقتی که شهوت وی او را می کشد، و فریفته می سازد.

وقتی گناه می کنیم، نه تقصیر خداست، نه تقصیر دنیا، نه تقصیر محیط اطرافمان، نه تقصیر شیطان، نه تقصیر روحهای شیطانی، بلکه خود ما مقصر هستیم. شاید دنیا، و شیطان، و روحهای شریر ما را تحریک به گناه کرده باشند، ولی ما مجبور نبودیم تسلیم آنها شویم. در مسیح قدرت ایستادگی داریم. کلام خدا در ۱ قرن تیان ۱۰: ۱۳ می فرماید:

۱۳ هیچ تجربه جز آنکه مناسب بشر باشد، شما را فرو نگرفت. اما خدا امین است که نمی گذارد شما فوق طاقت خود آزموده شوید، بلکه با تجربه مفری نیز می سازد تا یارای تحمل آن را داشته باشید. هیچ کس ما را عصبانی نمی کند. ما هستیم که عصبانی می شویم. هیچ کس ما را مغرور نمی کند. ما هستیم که مغرور می شویم. ما، مسئول اعمال و رفتار خود هستیم.

وقتی پادشاه سخنان مشاوران دربارش را شنید سخت ناراحت و پشیمان شد از اینکه چنین فرمانی صادر کرده است. تصمیم می گیرد که دانیال را نجات دهد.

تا غروب آفتاب با آن مشاوران جر و بحث می کند تا راهی برای نجات دانیال پیدا کند. ولی راهی نبود. و خوب دقت کنید، در تمامی طول این کشمکش، خود دانیال یک کلمه حرف نمی زند. دانیال از خودش دفاع نمی کند. مانند نمونه مسیح رفتار کرد. در ۱ پطرس ۲: ۲۳ در مورد مسیح می خوانیم:

۲۳ چون او را دشنام می دادند، دشنام پس نمی داد؛ و چون عذاب می کشید تهدید نمی نمود، بلکه خویشتن را به داور عادل تسلیم کرد.

دانیال در طول سالهای زندگی اش یاد گرفته بود که اعتمادی قوی و عمیق بر خداوند داشته باشد، بحدی که مطمئن بود که حتی در آن شرایط هم زندگانی اش در دستهای خداوند است و هر چه بشود، اراده خداوند در زندگیش انجام خواهد گرفت. و این چیزی است که من و شما باید در آن رشد کنیم.

بجای اینکه بخواهیم دانا از خودمان دفاع کنیم، خود را بسپاریم به دست های آن کسی که همیشه با عدالت داوری می کند. دانیال حرفی نداشت که بگوید. بله او بحضور خداوند دعا کرده بود، و باز هم خواهد کرد، و حاضر بود با عواقب آن روبرو شود.

سپس در آیات ۱۶- ۱۸ مجازات دانیال را می بینیم:

۱۶ آنگاه آن اشخاص نزد پادشاه جمع شدند و به پادشاه عرض کردند که «ای پادشاه بدان که قانون مادیان و فارسین این است که هیچ فرمان یا حکمی که پادشاه آن را استوار نماید تبدیل نشود.»

یعنی به داریوش پادشاه می گویند که سعی نکن از زیر بار مسولیت فرمانی که صادر کرده ای فرار کنی.

۱۷ پس پادشاه امر فرمود تا دانیال را بیاورند و او را در چاه شیران بیندازند؛ و پادشاه دانیال را خطاب کرده، گفت: «خدای تو که او را پیوسته عبادت می نمایی تو را رهایی خواهد داد.»

۱۸ و سنگی آورده، آن را بر دهنه چاه نهادند و پادشاه آن را به مهر خود و مهر امرای خویش مختوم ساخت تا امر درباره دانیال تبدیل نشود.

اینگونه چاه شیران، بر طبق کشفیات باستان شناسی، مانند غاری می بودند که در دامنه کوه ها می کنند، بطرف پائین، و چندین شیر گرسنه را در آنجا نگه می داشتند. آنها را مخصوصا گرسنه نگه می داشتند تا وقتی که می خواستند کسی را بکشند و می انداختنش در چاه، آن شیران گرسنه سریع خدمتش

برسند. و دو تا سه تا شیر هم نبودند بلکه چندین شیر. از کجا می دانیم؟ از آیه ۲۵ در آخر فصل، که می فرماید:

۲۵ و پادشاه امر فرمود تا آن اشخاص را که بر دانیال شکایت آورده بودند حاضر ساختند و ایشان را با پسران و زنان ایشان در چاه شیران انداختند و هنوز به ته چاه نرسیده بودند که شیران بر ایشان حمله آورده، همه استخوانهای ایشان را خرد کردند.

وقتی که ورق برمی گردد، و آن افرادی که دانیال را متهم کرده بودند، به دستور پادشاه با زنان و فرزندان به داخل همان چاه انداخته می شوند، که تعدادشان هم کم نبود، هنوز به ته چاه نرسیده، شیران آنها را پاره پاره می کنند. دانیال به داخل یک چاه پر از شیرهای گرسنه انداخته می شود بخاطر وفاداریش به خداوند.

چقدر ما حاضریم برای خداوندمان عیسی مسیح بها دهیم و به او وفادار باشیم. مسیح در کتاب مکاشفه ۲: ۱۰ در پیامش به کلیسای تحت جفای اسمیرنا می فرماید:

۱۰ از آن زحماتی که خواهی کشید مترس! اینک، ابلیس بعضی از شما را در زندان خواهد انداخت تا تجربه کرده شوید و مدت ده روز زحمت خواهید کشید. لکن تا به مرگ امین باش تا تاج حیات را به تو دهم.